

تورم قانون، تنبلی در اجرا



مجلس شورای اسلامی طبق اصل هفتادویکم قانون اساسی می‌تواند در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی، قانون وضع کند و

طبق اصل هفتاد و دوم همین قانون نمی‌تواند قوانینی وضع کند که با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد. تشخیص این امر به ترتیبی که در اصل نود و ششم آمده، برعهده شورای نگهبان است.

البته با استناد به بند پایانی اصل ۱۳۸ قانون اساسی، هیاتی در مجلس با عنوان «هیات تطبیق مصوبات دولت با قوانین مجلس» تشکیل و زیرنظر شخص رئیس مجلس فعالیت می‌کند که اگر به اصل چهارم قانون اساسی رجوع کنیم فعالیت این هیات با ابهاماتی روبه‌رو است اما ورود به این موضوع در مقال ما نمی‌گنجد و ان‌شاء‌الله در فرصت دیگر مورد کنکاش قرار خواهد گرفت.

هرچند نمایندگان مجلس شورای اسلامی در اداره امور جامعه، «فعال مایشاء» نیستند اما به‌قدری «بسط‌بد» دارند که ملزم به پاسخگویی در برابر موکلان خود باشند و از این رهگذر سعی کنند به بهترین نحوه ممکن در اداره امور جامعه نقش‌آفرینی کنند، هر چند آن‌طور که باید و شاید، نیستند.

دهمین دوره مجلس شورای اسلامی یکی از ماندگارترین ادوار قانونگذاری کشور خواهد بود؛ البته نه به‌عنوان یک دوره درخشان که بلکه به‌عنوان دوره‌ای منفعل در برابر قوه مجریه. تقریباً روزی نیست که نمایندگان از اجرائی نشدن قانون نالند. مصداق این ادعا سخنان سیدحسین قزوینی حسینی نماینده سه دوره مجلس شورای اسلامی و سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی است که شامگاه دوشنبه ۷ مرداد در یک برنامه زنده تلویزیونی گفت: «دولت بسیاری از قوانین را اجرا نمی‌کند.»

این مجلس در روزهای آغازین خود بنا داشت از رویکرد «وضع قانون» به رهیافت «نظارت بر قانون» شیف‌ت‌کند تا شاید کفه‌سنگین «قانونگذاری محض» به نفع «نظارت مطلوب بر حسن اجرای قانون» متعادل شود، اما نشد که نشد!

نقل است فرانسه یادو قرن سابقه قانونگذاری، حدود دو هزار فقره قانون دارد و ایران ما با حدود یک قرن سابقه قانونگذاری، بیش از ۱۲ هزار فقره! حال این سوال مطرح می‌شود آیا «تورم قانون» به خودی خود می‌تواند به مدیریت خوب و رفع مشکلات کمک کند؟ اگر پاسخ مثبت است چرا تاکنون نتوانسته است چنین مهمی را به منصف ظهور بیاورد؟ رهبر معظم انقلاب ۲۰ خرداد۹۷ در دیدار با نمایندگان مجلس شورای اسلامی فرمودند: «شاخص کمی برای ارزیابی کافی نیست؛ اینکه ما چه تعداد مصوبه‌گذارانیم، کافی نیست؛ بایستی مشخص بشود که وزن این مصوبه‌ها در اداره کشور چقدر است؛ چون شما مدیر کشوریید و قانونگذار کشور و ریل‌گذار حرکت اجرا شما هستید دیگر، یعنی این بخش مهم از مدیریت در اختیار شماست؛ این چیزی که تصویب شده است، چقدر در رفع مشکلات و پیشرفت کشور و رعایت حال عموم مردم تاثیر داشته است؟ پس صرفاً کمیت کفایت نمی‌کند، بایستی کیفیت را ملاحظه کرد.»

اما مجلس مطلوب کدام است و نماینده مطلوب کدام؟ اگر از خواسته‌های سیاسی یک جریان واداده فاکتور بگیریم، این روزها از فرمول پیچیده «اصلح نامقبول یا صالح مقبول» سخن رانده می‌شود اما آیا واقعا با «فقر شاخص» مواجه هستیم که تن به چنین دوراهی‌ای بدهیم؟ آیا شاخصی بهتر از منویات بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی می‌خواهیم که ۴ خرداد ۱۳۵۹ در اولین روز بازگشایی مجلس، در حسینه جماران به یادگار گذاشتند؟

حضرت امام(ره) در بخشی از این سخنرانی که به «تشریح وظایف وکالت در مجلس شورای اسلامی» مشهور است، می‌فرماید: «شما وکیل نیستید که بروید آنجا بنشینید و حساب‌هایی که خودتان با هم دارید‌صاف کنید. اگر یک همچو کاری بشود، این انحراف است و غصب است آن محل برای شما... شماها باید در مجلس که می‌روید علاوه‌بر اینکه، مسائلی که طرح می‌شود که مورد احتیاج ملت است، باید آنها را در آن طرح کنید، با سلاح اخلاقی اسلامی وارد بشوید، و با آن سلاح مردم را تربیت کنید که وقتی چند سال از مجلس گذشت، در مردم آثار گفت‌وگوهای شما و مناظرات شما پیدا‌باشد... شما توجه داشته باشید که به اسلام خدمت کنید و به کشور خودتان خدمت کنید. شما وکیل مردمی هستید که همه اسلام را می‌خواهند، و همه کشور خودشان را می‌خواهند؛ و شما باید برای این ملت خدمت بکنید، به آن چیزی که شما را وکیل کرده است خدمت بکنید. اگر انحراف پیدا کنید بر خلاف ملت، خیانت کرده‌اید به وکالتی که دارید.»

اینکه در مجلسی بشنویم «چون فلان نامزد جناح ما نتوانست به کرسی هیات‌رئیس‌ه دست پیدا کند معلوم می‌شود مجلس دست طیف ما نیست پس مشکلات را گردن ما نیندازید، چه معنی دارد الا صاف کردن حساب سیاسی بدون توجه به منافع ملی!

حال این سوال مطرح می‌شود شخص یا جریانی که بدون توجه به مشکلات و عملکردها، در سال پایانی مجلس با بهانه‌گیری از مسئولیت شانه‌خالی کند، آیا شایستگی تکرار تکیه بر صندلی سبز هیاستان را دارد؟

اول: در بهترین حالت، نابلدی سیاسی

وقایع یکشنبه‌شب تا شامگاه دوشنبه را در چند خط مرور کنیم. ترامپ در آن سوی دنیا می‌گوید که من نیازی به دیدار و مذاکره با ایرانی‌ها ندارم و این مقامات ایران هستند که می‌خواهند با من ملاقات کنند. کمتر از چند ساعت بعد، حسن روحانی در تهران ابراز می‌کند که ابایی از ملاقات با کسی ندارد، هرچند یک حرف نامتعین هم به آن الصاق می‌کند که «اگر منافع ملی تامین‌شود،» همین پالس هم باعث می‌شود ترامپ این‌گونه ادعا کند که نگفتم ایرانی‌ها دنبال ملاقات با من هستند! خب، ملاقات می‌کنیم، اما هسته‌ای و موشکی نداشته باشید! تازه این جدای از این است که یک تهدید هم چاشنی آن می‌کند که اگر شروط من را قبول نکنید، فلان می‌شود و بهمان می‌کنیم! همین‌جا باید پرسید که این نوع کنشگری سیاسی با کدام عقل و منطقی جور در می‌آید؟ آن‌هم در شرایطی که اولافشار تحریم‌ها درحال تخلیه‌شدن است و امکان توسعه‌فشارها برای دشمن نیست، ثانیاً کشورهایی که از ترس آمریکا‌عقب‌کشیده بودند، یکی‌یکی درحال برگشت هستند و خواهان عادی‌شدن روابط، ثالثاً اقتصاد تثبیت نسبی یافته‌و شرایط رو به بهبود است، رابعاً طرف مقابل به دنبال ایران افتاده که پنج میلیاردی‌دم، ۱۵ میلیاردی‌دمم و... و خاس و ساس و بقیه هم بماند برای فرصت بیشتر.

دوم: عقبگرد بعد از عملیات

آفتاب به میانه آسمان سه‌شنبه‌نرسیده بود که حسن روحانی، دنده معکوس کشید و در مراسم آغاز عملیات اجرایی ساخت ۱۱۰ هزار واحد مسکونی طرح اقدام ملی تولید مسکن، حرف‌هایی زد؛ ۱۸۰ درجه‌مقابل اظهارات روز دوشنبه. حسن روحانی با بیان اینکه ما دنبال عکس گرفتن نیستیم، تصریح کرد: «اگر کسی تنها به دنبال عکس گرفتن با حسن روحانی باشد، این امکان‌پذیر نیست، مگر آنکه از تمام تحریم‌های ظالمانه دست بردارد و به حقوق ملت ایران احترام بگذارد که در این صورت شرایط عوض خواهد شد.» البته محمدجواد ظریف هم از پکن دست به کار شد و از ریشه منکر همه‌چیز شد. او‌اولا گفت که «در سفر به بیارتز گفتیم دیداری بین رئیس‌جمهور ایران و ترامپ قابل تصور نیست.» و بعد اظهارات خود را این‌گونه تکمیل کرد که «تا زمانی که آمریکا به جمع پنج به‌علاوه یک پیوندد و برجام را اجرا کند، در آن زمان هم گفت‌وگوی دوجانبه‌ای نخواهیم داشت.»

این عقبگرد شاید در خیال برخی این‌گونه جلوه کند که مثلاً سوءاستفاده ترامپ، عدم‌اقبال عمومی یا واکنش

سیاست

رمزگشایی «فرهیختگان» از تحولات اخیر مذاکرات ایران و اروپا در آستانه گام سوم ایران

فاصله زیاد مذاکرات پاریس با شروط تهران



اینکه آنها اینقدر امیدوارانه از برگزاری جلسه مشترک سخن می‌گویند، خرسند از این هستند که در جریان مذاکرات، برجام دوباره به‌گفت‌وگو و بررسی گذاشته‌شود؟ آن‌هم با نیت توسعه‌محدودیت‌ها برای ایران. این پرسش هم از این بابت است که شخص رئیس‌جمهور و وزیر امور خارجه بارها گفته بودند که برجام تمام‌شده و دیگر قابل مذاکره نیست. از طرف دیگر، اساساً برداشتن گام‌های ۶۰روژه با هدف عقب‌راندن اروپا و اجبار آنها به انجام تعهدات‌شان شکل گرفت و هیچ بنایی در آن برای مذاکره با آمریکا مفروض نبود. از این‌رو باید به دولت این مساله را یادآوری کرد که گام‌های ۶۰روژه همچنانکه در بیانیه شورای عالی امنیت ملی آمده، در واکنش به عدم‌انجام تعهدات اروپاست و بدون رسیدن به این هدف نباید از دست برداشت و به فکر فاز دیگری در مذاکرات بود.

چهارم: رمزگشایی از یک جمله ترامپ

اگر خاطرتان باشد، حسن روحانی در گفت‌وگوی تلفنی با مکرون تأکید کرده بود که کف انتظار و مقدمه هرگونه گفت‌وگو با اروپا، بازگشت شرایط عادی در زمینه فروش نفت و روابط بانکی برای بازگشت ارز حاصل از فروش نفت است. بعداً محمدجواد ظریف در نشست خبری به مناسبت «روز خبرنگار» گفت که منظور از شرایط عادی فروش نفت ایران که باعث خواهد شد ایران گام‌های ۶۰روژه را متوقف کند، بازگشت شرایط به میانه سال ۲۰۱۸ میلادی است، یعنی

منفی فعالان سیاسی و صاحبزطران باعث تغییر موضع شده، اما خیلی‌ها هم این تصور را خواهند داشت که روحانی برای استفاده در سیاست داخلی این رفتارها را داشته تا زمانی که موعد پاسخگویی درمورد اقتصاد، اجتماع، محیط‌زیست و... فرار رسید، بگوید که من راه را می‌دانستم و می‌خواستم که مشکل را با ترامپ حل کنم، اما نگذاشتند.

سوم: مذاکره، نشست خبری و چند چالش جدید

در جریان نشست خبری امانوئل مکرون و دونالد ترامپ، مشخص شد که هر دوی آنها بر اینکه برجام کم است و باید محدودیت‌های آن برای ایران توسعه‌یابد، ازجمله اینکه باید بندهای غروب برجام برداشته شود، تأکید دارند. همچنین آمریکا به دنبال این است که در مذاکراتی که احياناً ممکن است میان تهران، پاریس و واشنگتن برگزار شود، موضوع مسائل موشکی و هسته‌ای به‌گفت‌وگو گذاشته شود و ایران دست از هر دوی این صنایع بکشد. البته این هماهنگی میان فرانسه و آمریکا بار اولی نیست که مطرح می‌شود و قبلاً هم بارها بیان شده بود که آنها تنها در تاکتیک و عملیات اجرایی اندکی اختلاف‌نظر دارند و نه در هدف نهایی. از این‌رو با توجه به این مساله سوال مهمی که باید از دولت مطرح شود، این است که اساساً با چه شرایطی وارد مذاکره با فرانسه شده‌اید که علاوه‌بر

گفت‌وگو

سفیر اسبق ایران در پاریس:

مکرون ایران را از مذاکره دور و به گام سوم نزدیک‌تر کرد

پاسخگویی قرار می‌دهد.»

سخنگوی اسبق دستگاه‌دیپلماسی کشورمان خاطرنشان کرد: «این موضوع قابل فہم است که مذاکره‌کنندگان ما اخلاق مدار هستند و نمی‌خواهند محتوای مذاکرات را پیش از رسیدن به نتیجه‌افشا کندولی وقتی طرف‌مقابل این‌چنین عمل نمی‌کند باید فکری جدی در این باره کرد. این اشکالی است که وجود دارد و برای حل آن با باید هیچ خبری به بیرون درز نکند یا اگر بنا بر گفتن است و طرف مقابل اطلاع‌رسانی می‌کند ما نیز همین‌گونه‌کنیم.»

وی ادامه‌داد: «نمی‌توان اظهارنظر غربی‌ها را موقوف دانست‌وبه آنها استناد کرد ولی انتظار می‌رود تیم مذاکره‌کننده به‌صورت شفاف اعلام کند طرف مقابل چه پیشنهادی داشته و ما چه پیشنهادهایی را مطرح کرده‌ایم. به‌ویژه امروز و در شرایطی که طرح آقای مکرون زیر سوال رفته‌است.»

آصفی درباره پیشنهاد ۵ میلیارد یورویی پول نقد و -نه اعتبار مالی- به ایران در مقابل خودداری از برداشتن گام سوم، گفت: «تصور نمی‌کنم کسی در ایران چنین پیشنهادی را بپذیرد چراکه این پیشنهاد خیلی سبک است و رقم قابل توجهی را شامل نمی‌شود.»

سفیر اسبق ایران در پاریس یادآور شد: «اروپایی‌ها باید به جای تمرکز بر پیشنهادهایی از این دست باید تعهدات خود را عملیاتی کنندضمن آنکه‌اساساًپرداخت چنین مبلغی یا هر مبلغ دیگری چگونه می‌تواند قابلیت عملیاتی شدن را داشته‌باشد آن‌هم در شرایطی که اینستکس هنوز عملیاتی نشده‌و نخواهد شد.» وی با بیان آنکه بهتر است اروپایی‌ها ابتدا گفته‌هایشان درباره اینستکس وخريدنفت‌را محقق کنند گفت: «جمهوری اسلامی صدقه نمی‌خواهد. ما نفت داریم و آنها باید نفت بخرند و پول آن را بدهند.»

آصفی تصریح کرد: «در این باره پیشنهاد صادرات روزهانه ۷۰۰ هزار بشکه‌نفت هم‌بی‌معنی است و براساس آماری که همین دیروز از سوی گمرک چین منتشر شد، جمهوری اسلامی ایران در یک‌ماه گذشته فقط به چین روزهانه ۹۰۰ هزار بشکه‌نفت فروخته‌است.» این دیپلمات سابق کشورمان با تأکید بر آنکه ما اساساً برای فروش نفت نباید محدودیت داشته باشیم، خاطرنشان کرد: «تن دادن ایران به این موضوع به منزله آن است که ما تحریم‌ها را پذیرفته‌ایم.»

عملیاتی کمتر کرد.»

آصفی خاطرنشان کرد: «ما باید گام سوم را با جدیت برداریم چرا که دست‌یابی‌چگی امروز غربی‌ها همین گام‌های کاهش تعهدات هسته‌ای است.»

این کارشناس مسائل سیاست خارجی در توضیح قرائنی که نشان می‌دهد اظهارات مکرون به‌دور شدن از مذاکره منجر شده گفت: «او پیش‌شرط‌هایی را مطرح کرد که اساساً برای جمهوری اسلامی ایران پذیرفتنی نیست‌و ما حاضر نیستیم در موضوعاتی چون برنامه‌موشکی یا فعالیت‌های ایران در منطقه‌مذاکره کنیم.» وی درخصوص گمانه‌زنی‌های رسانه‌ای مبنی بر پس گرفتن پیشنهاد مذاکرات موشکی نیز اظهار داشت: «فکر صریح و علنی‌ای در این باره از سوی مکرون وجود ندارد و فارغ از آنچه رسانه‌ها می‌گویند استناد من به صحبت‌هایی است که وزیر خارجه فرانسه یا رئیس‌جمهور این کشور می‌کنند و هیچ‌یک از این دو چنین پیشنهادی را پس نگرفته‌اند.»

آصفی اضافه کرد: «ما به‌طور کلی یک ضعف عمده در مذاکرات داریم و آن ضعف عبارت است از اینکه ما خبرها را اول اعلام نمی‌کنیم و این طرف مقابل است که پیش‌دستی کرده و از جزئیات مذاکرات خبرهایی را به راست یا دروغ در رسانه‌ها منتشر می‌کند. همین موضوع طرف ایرانی را مدام در مقام